

نقش آفرینی زنان در دیپلماسی بعنوان معماران صلح

فائزه توکلی (دکتری تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دیپلماسی سنتی مبتنی بر قدرت مردانه و سلسله مراتبی در حال جایگزینی با مدل‌های مشارکتی است که زنان به عنوان "معماران صلح" در آن نقشی محوری دارند. بر اساس مطالعات جامعه‌شناسان، زنان نه تنها به عنوان قربانیان جنگ‌ها، بلکه به عنوان «معماران فعال صلح» در سطوح خرد تا کلان عمل می‌کنند. نقش آنان از نظر جامعه‌شناسی تاریخی چندبعدی و مبتنی بر شواهد تاریخی است:

نظریه "اخلاق مراقبت"

زنان با پرورش فرهنگ «مسئولیت جمعی» (نه صرفاً حقوق فردی)، حل تعارض را از طریق توجه به روابط انسانی و نیازهای عملی پیش می‌برند، مراقبت و خیرخواهی یک فضیلت است. نمونه: مادران میدان مایوکه انجمنی از مادران آرژانتینی بود که در دوره دیکتاتوری نامی دهه 70-80 ناپدید شده بودند، توانستند با تاکید بر "بازگرداندن فرزندان"، خشونت دولت را افشا نمایند. (کارول گیلیگان، 2008)

فمینیسم صلح‌طلب

جنگ‌ها محصول ساختارهای مردسالارانه است. زنان با رد دوگانه‌سازی "قهرمان/دشمن"، صلح را به مثابه «امنیت انسانی» (نه امنیت نظامی) بازتعریف می‌کنند. (سینتیا انلو، 2007) زنان در جوامع جنگ‌زده با ایجاد «شبکه‌های اعتماد غیررسمی» (مانند گروه‌های معیشتی یا فرهنگی)، بستر گفت‌وگوی دشمنان را فراهم می‌کنند. بدینگونه صلح از پایین شکل می‌گیرد.

مکانیسم‌های اثرگذاری عملی

میانجی‌گری غیررسمی: در روآندا، زنان با تشکیل "کمیته‌های آشتی" پس از نسل‌کشی، هم‌زیستی قومی را از طریق «گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره» و آیین‌های ترمیم‌گر احیا کردند. -مقاومت مدنی بدون خشونت: جنبش «زنان لیبریا» به رهبری لیما گبوی (برنده نوبل صلح ۲۰۱۱) با تحصن و اعتصاب جنسی، جنگجویان را به مذاکره واداشتند (پایان جنگ داخلی ۲۰۰۳). از دیگر مکانیسم‌ها می‌توان به شرکت زنان در مذاکرات مستقیم اشاره نمود که نمونه آن در جریان مذاکرات گروه طالبان با آمریکا، جالب آن بود که ۴ زن در تیم ۲۱ نفره مذاکره با طالبان حضور داشتند. در شورای عالی صلح افغانستان ۱۱ عضو زن

وجود داشت ، اگرچه برتری تفکرات طالبان موجب کنار زدن آنها از تصمیم گیریها شد.

درچند سال اخیر و جنگ اسراییل علیه فلسطینی ها ، با نوعی تغییر گفتمان امنیتی از جانب برخی فعالان زن در فلسطین و اسراییل مواجه بودند. چنانکه با ایجاد "کمپین‌های دوقطبی" (مانند Parents Circle) ، روایت "دیگری‌سازی" را به "درد مشترک" تبدیل کردند، اگر چه در جریان حادثه هفت اکتبر و مقابله اسراییل با ضربات هوایی مهلک ، زنان و کودکان بیشترین قربانیان بودند اما دیوار مذاکرات همچنان نه بر زنان و نه بر مردان متکی نیست زیرا سدی بین دو کشور ایجاد شده است . با این همه ! داده‌های تجربی از اثربخشی نقش زنان در مذاکرات در مطالعات زنان سازمان ملل UN Women نشان می‌دهد حضور زنان در مذاکرات صلح، احتمال توافق پایدار را ۳۵٪ افزایش می‌دهد. گزارش «موسسه صلح ایالات متحده (USIP)» تأیید می‌کند توافق‌های صلح با مشارکت زنان، ۶۴٪ احتمال بیشتری برای ماندگاری ۱۵ ساله دارند. پروژه "زنان، صلح و امنیت" بانک جهانی ثابت کرده کشورهای با سطح بالای برابری جنسیتی، ۳۷٪ کمتر درگیر جنگ‌های داخلی می‌شوند.

چالش‌های ساختاری از نهادهای مردانه

درفراینند تاریخی سی ساله اخیر زنان در فرایندهای رسمی مذاکرات حذف شده اند چنانکه تنها ۴٪ از امضاکنندگان توافق‌های صلح در طی سالهای ۱۹۹۲-۲۰۱۹ زن بودند.

- امنیت شکننده: فعالان زن در جوامع مردسالار (مانند افغانستان) با سرکوب دوگانه (دولت + خانواده) مواجه‌اند.
- کلیشه‌سازی: تقلیل نقش زنان به "قربانیان منفعل" یا "نگهبانان اخلاق" (بدون قدرت تصمیم‌گیری).

راهکارهای تحول‌ساز پیشنهادی

1. سیاست سهمیه‌بندی: اجرای «قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت» برای تضمین حضور ۳۰٪ زنان در نهادهای صلح‌ساز؛
2. صلح‌سازی اقتصادی: حمایت از تعاونی‌های زنان در مناطق جنگ‌زده (مثل زنان کرد در شمال عراق که اقتصاد محلی را بازسازی کردند)؛
3. آموزش چندنسلی: پروژه‌هایی مانند "مدرسه مادران صلح" در نیجریه که زنان را به رسانه‌های درون‌فرهنگی مجهز می‌کند؛
4. استفاده از ظرفیت خبرنگاران زن برای مستندسازی خشونت‌ها و بازنمایی آن در رسانه‌ها و انتقال خواسته‌ها به میز مذاکره ؛

کلام آخر

به لحاظ جامعه شناسی تاریخی زنان با «تلفیق عقلانیت ارتباطی و سازمان‌دهی جمعی»، نه تنها "آرامش" را به‌مثابه فقدان جنگ تعریف می‌کنند، بلکه آن را به‌مثابه «تحقق کرامت انسانی» در زندگی روزمره بازمی‌آفرینند. موفقیت‌هایی چون لیبریا و کلمبیا ثابت می‌کند سرمایه‌گذاری بر رهبری زنان در صلح‌سازی، بازدهی ملموس در حوزه اقتصادی و انسجام اجتماعی دارد. در مذاکرات درحال انجام بین دو کشور ایران و آمریکا، زنان از منظر فمنیسم فرهنگی می‌توانند راهها را برای صلح و دریافت نتیجه نهایی میسر نمایند. این رویکرد بر همکاری، حل ریشه‌های منازعات و توجه به امنیت انسانی تمرکز دارد، لذا شکستن سقف شیشه‌ای نهادهای مردانه همچنان نیازمند تحول ساختاری است. بقول جامعه شناس صلح الیسون ام جگر (2023):

صلح بدون زنان، صلحی ناقص است؛ چرا که نیمی از جامعه در ساختن آن مشارکت نداشته‌اند.